

مجله دانشکده پزشکی تهران

آذر ماه ۱۳۴۷

شماره سوم از سال بیست و ششم

ملاتونین

دکتر امیرحسین عدل*

تا سالهای اخیر نقش فیزیولوژیک غده ای فیزیوپنه آل مشخص نبود و در حالیکه عده ای آنرا فاقد اثر میدانستند جمعی دیگر آنرا منشاء آثار مختلفی تلقی میکردند. بالاخره وقتی بطور تجربی دیده شد که عصاره این غده قادر بکم رنگ کردن پوست بعضی از حیوانات میباشد لرر و همکارانش دست بمطالعات وسیعی زدند که آخر الامر در حدود سال ۱۹۵۸ منجر بجدا کردن ماده ای فیزگردید که بآن نام ملاتونین داده شد. این ماده روی سلولهای محتوی رنگین دانه اثری مخالف اثر هورمون محرک رنگین دانه دارد (۵-۱). مطالعات بعدی نشان داد که این ماده از مشتقات سروتونین بوده و ساختمان شیمیائی آن ان استیل-۵- متوکسی تریپتامین میباشد و سوخت و ساز آن در شکل صفحه ۲۲۳ نشان داده شده است (۶). این ماده باستثنای ای فیز در سایر قسمتهای مغز همچنین در اعصاب محیطی (۳) یافت میشود ولی آنزیم ترکیب کننده آن یعنی هیدروکسی اندول-۱- متیل- ترانسفراز فقط در

* از آزمایشگاه تحقیقاتی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران (رئیس: دکتر کمال الدین

آرمین).

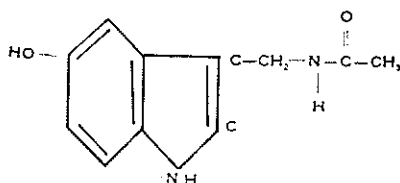
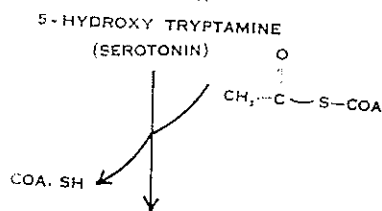
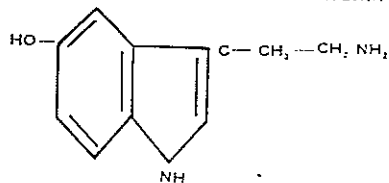
اپی فیزیافت میشود (۸) و مقدار آن در اپی فیز پرندگان دویست برابر موش صحرائی است (۹) و قتی ملاتونین وارد خون شد بوسیله بافتهای مختلف منجمله مغز ذخیره میشود اما تزریق ملاتونین رادیو آکتیو به موش نشان داده که تجزیه این ماده سریع است و فقط قسمت کمی از آن بحال اولیه باقی میماند. قسمت عمده از طریق هیدروکسیلاسیون کربن شماره ۶ در کبد و سپس اتصال به سولفات و اسید گلیکورو نیک متابولیزه میشود. مقدار کمتری از ملاتونین به مشتقات غیر اندولی تبدیل میشود و بنابراین بنظر میرسد که در این مرحله باز شدن حلقه اندول اتفاق می افتد (۶) و شاید بعلت همین ذخیره شدن در بافتها باشد که مقادیری از ملاتونین در مغز و اعصاب محیطی یافت میشود و وجود آن بدون وجود آنزیم ترکیب کننده اش در این بافت احتمالاً باین ترتیب توجیه میشود.

اندازه گیری ملاتونین بوسیله تکنیک مخصوص بیولوژیک میسر است (۱۰) در باره تنظیم ترشح ملاتونین اطلاع زیادی در دست نیست ولی قدر مسلم اینست که نور در تنظیم فعالیت آنزیم ترکیب کننده آن نقش بسیار مهمی را ایفا میکند باین معنی که مقدار این آنزیم در اپی فیز موش صحرائی (Rat) پس از شش روز زیستن در تاریکی بمقدار قابل توجهی زیاد میشود بدون آنکه تغییری در فعالیت مونو آمین اکسیداز (Mono aminoxidase) مشاهده شود (۹). نزد مرغ خانگی اثر تاریکی، عکس اثر آن نزد موش صحرائی میباشد (۱۱). چون تغییرات روشنایی روی سلولهای پارانشیمی اپی فیز تأثیری ندارد ولی روی دانه های قابل رنگ آمیزی بوسیله رنگ ماژنتای سلولهای بزرگ اپی تلیوئید سپتوم اثراتی مشاهده میشود بنظر میرسد که سلولهای اخیر عوامل حساس به نور باشند (۱۲)

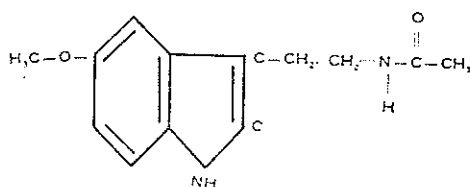
هرچند هنوز مسلم نشده که ملاتونین يك هورمون و اپی فیز يك غده درون ریز واقعی میباشد و اطلاع کافی درباره وظایف فیزیولوژیک و نقش احتمالی ملاتونین و اپی فیز در تولید بیماریها در دسترس نیست اما از مطالعاتیکه نزد حیوانات بعمل آمده چنین استنباط میشود که ملاتونین و اپی فیز لاقلاً تحت شرایط تجربی میتوانند روی غدد درون ریز و سوخت و ساز بدن اثراتی داشته باشند.

رابطه سیستم هیپوتالاموس - هیپوفیز - هورمون محرک رنگین دانه .
ملاتونین و اپی فیز

اثر تزریق ملاتونین (۱۳) و برداشتن اپی فیز موش صحرائی سفید



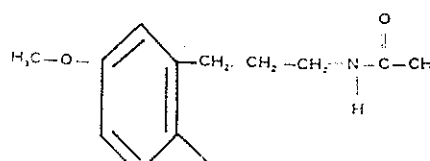
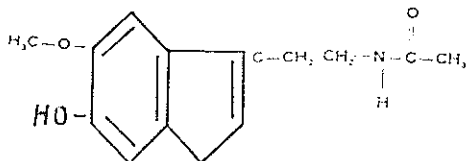
N-ACETYL SEROTONIN



NADPH

LIVER
HYDROXYLASE

RING OPENING



EXCRETED AS GLYCURONIC ACID
CONJUGATES (70%)

EXCRETED AS GLYCURONIC ACID
CONJUGATES (6%)

اثر روی غدد جنسی : از مدتها قبل براساس مشاهدات بالینی نژد انسان نظریه‌هایی در باره رابطه اختلالات بلوغ با تومورهای اپی فیز ابراز شده و تا سالهای اخیر مکانیسم اثر این تومورها را فشار به ناحیه هیپوتالاموس یا تولید ضایعاتی در این ناحیه میدانستند و همچنین تأثیر نور را روی فعالیت جنسی حیوانات که خود از سالهای قبل شناخته شده بوسیله يك واکنش عصبی توجیه میکردند .

طی سالهای اخیر با استفاده از ملاتونین ترکیبی نتایج جالبی بدست آمده که در صورت اثبات کمک مهمی بدرك فیزیولوژی اپی فیز میکند و بخصوص نشان میدهد که اثر این ماده روی غدد جنسی حیوانات مختلف و در دوره‌های مختلف زندگانی آنها یکسان نیست.

در موش صحرایی تزریق ملاتونین موجب تقلیل رشد تخمدان و کم شدن تکرار استروس میگردد (۱۱) و نزد جوجه‌های چهل تا شصت و پنج روزه برداشتن اپی فیز موجب هیپرتروفی بیضه میگردد (۳۳) در حالیکه تزریق ملاتونین از هفته هشتم تا دهم زندگی این حیوانات سبب تقلیل وزن بیضه و تخمدان میگردد و این تقلیل وزن با مقدار ملاتونین تزریق شده متناسب است (۱۵) و باین ترتیب مشاهده میشود که اثر ملاتونین روی غدد جنسی پرندگان نابالغ شبیه اثری است که نزد جوندگان دارد .

از طرف دیگر روشنائی سبب ازدیاد تکرار استروس نژد موش صحرایی میشود (۳۴) و این اثر تا حدی بوسیله تزریق ملاتونین خنثی میگردد (۳۵) و بعلاوه روشنائی دائمی موجب تقلیل فعالیت آنزیم سازنده ملاتونین در اپی فیز موش صحرایی میگردد (۳۶) تأثیر نور روی غدد جنسی و اپی فیز مرغان بالغ ، عکس اثر آن نزد پرندگان نابالغ است باین معنی که تاریکی موجب تقلیل وزن اپی فیز و کاهش فعالیت آنزیم سازنده ملاتونین میشود در حالیکه روشنائی دائمی سبب افزایش قابل توجه فعالیت این آنزیم در اپی فیز میگردد (۱۱) بنابراین بنظر میرسد که برخلاف پرندگان نابالغ و جوندگان ملاتونین نزد پرندگان بالغ اثر تحریک کننده فعالیت‌های غدد جنسی داشته باشد ولی تا آنجا که اطلاع داریم این مسئله بطور مستقیم تحت مطالعه قرار نگرفته ولی تزریق هورمون محرك رنگین دانه نزد زنانیکه به قطع ثانوی عادت ماهیانه دچار شده بودند موجب برقراری موقت و مجدد سیکل

گردید و چون در اکثر موارد اثر ملاتونین عکس اثر هورمون محرک رنگین دانه است این احتمال موجود است که ملاتونین روی غدد جنسی انسان اثر تقلیل دهنده فعالیت داشته باشد (۳۷) و بالاخره امکان دارد که بین ملاتونین و ماده مهاریکننده اثر گونادوتروپین که در ادرار دختران نابالغ دیده شده (۳۸) رابطه‌ای موجود باشد.

اثر روی تیموس - این مسئله تا بحال فقط نزد پرندگان نابالغ مطالعه شده است. تزریق ملاتونین بمقدار یکصد میکروگرام و بمدت دوهفته باین حیوانات موجب تقلیل وزن تیموس میگردد و این اثر نزد پرندگان نر بیش از پرندگان ماده است (۱۵). مکانیسم این تأثیر روشن نیست ولی چنانکه ذکر شد اثر ملاتونین روی غدد جنسی پرندگان نابالغ وجوندگان شبیه یکدیگر است و چنانچه این شباهت در باره غدد فوق کلیوی هم صادق باشد احتمال دارد که ازدیاد ترشح کورتیکوسترون که هورمون قندساز اصلی موش صحرائی است تحت تأثیر ملاتونین سبب تقلیل وزن تیموس گردد ولی چون ملاتونین سبب تقلیل وزن غدد فوق کلیوی پرندگان نابالغ میگردد (۱۵) بنظر نمیرسد که این تئوری صحیح باشد.

تا این تاریخ اثر ملاتونین روی سایر غدد درون ریز مشخص نشده ولی بعضی از اثرات آن روی سایر قسمت‌های بدن تحت مطالعه قرار گرفته است.

تأثیر روی بافت پستان: این مسئله فقط تا بحال یکبار مطالعه شده و از نتایجی که بدست آمده چنین استنباط میشود که غده اپی فیز فاقد اثر مهاریکننده روی رشد پستان و ترشح هورمونهای مولد شیر و سازنده پستان (Mammogenic Hormone) نزد موش صحرائی ماده بیست و یک تا صد روزه میباشد (۳۹).

تأثیر روی سوخت و ساز چربیها - در این باره اطلاعات بسیار محدود و درضمن ضد و نقیض میباشد. وقتی ملاتونین تحت شرایط آزمایشگاهی در مجاورت بافت چربی خرگوش قرار داده شد مشاهده گردید که قادر به خنثی کردن اثر آزاد کننده گلیسرل که بوسیله هورمون محرک رنگین دانه تولید میشود نمیشود ولی میتوان با این اثر هورمون محرک قسمت قشری غدد فوق کلیوی مخالفت نماید در حالیکه هم ملاتونین و هم دی‌هیدروکسی ملاتونین روی بافت چربی موش صحرائی اثر آزاد کننده گلیسرل و اسیدهای چرب آزاد را دارند البته بشرطیکه آدرنالین در محیط موجود باشد (۴۰) چون هورمون محرک رنگین دانه خود بقولی دارای قدرت آزاد

کننده چربی‌ها میباشد (۴۰) و در بسیاری از موارد ملاتونین با این هورمون اثر مخالف دارد بنظر میرسد که در اینجا هم اثر این دو ماده مخالف یکدیگر باشد اما نه تنها چنین اثری بطور قاطع نشان داده نشده بلکه در مطالعاتی که نزد انسان بعمل آمد مشاهده شد که تزریق داخل وریدی هورمون محرک رنگین دانه سبب تقلیل مقدار کلسترل و چربی‌های خون میگردد (۳۷) بنابراین هنوز نمیتوان در این باره عقیده قطعی ابراز کرد و این موضوع نیز احتیاج بمطالعات بیشتری دارد.

تأثیر روی قندخون: متأسفانه تنها مدرکی که در این زمینه موجود است در رومانی منتشر شده و هنوز در اختیار ما قرار نگرفته (۴۱) ولی مطالعات قبلی که با استفاده از عصاره اپی فیز بعمل آمده نشان داده که این ماده قادر بکم کردن قند خون میباشد و این اثر در غیاب هیپوفیز و غدد فوق کلیوی هم نیز بجای میماند و گفته شده است که اثر عصاره اپی فیز مانند اثر انسولین روی گلیکوژن کبدی و عضلانی میباشد (۴۲). چنانچه واقعاً ملاتونین اثر کم کننده قندخون داشته باشد اثر آن شبیه هورمون محرک رنگین دانه در این مورد خواهد بود (۳۷).

در باره اثر ملاتونین روی متابولیسم مواد پروتئینی و الکترولیتها تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تا این تاریخ اطلاعاتی در دست نیست بالاخره از مطالعات فارماکولوژیک چنین استنباط میشود که اثر ملاتونین روی قلب و عروق ناچیز است و همچنین تأثیر آن روی رفتار موشها قابل توجه نیست. با اینکه ملاتونین قادر به طولانی تر ساختن اثر خواب آور هکزو باریتال میباشد رابطه بین این خاصیت و مقدار نور آدرنالین خون و یا درجه کمبود حرارت بدن دیده نشده و بنابراین مطالعات بیشتری در باره نقش احتمالی این ماده در تنظیم خواب لازم است (۴۳).

خلاصه

- (۱) ملاتونین که مشتقی از سروتونین است غیر از غده اپی فیز در اعصاب محیطی و همچنین در سایر قسمتهای مغز یافت میشود اما آنزیم ترکیب کننده آن فقط در اپی فیز دیده شده است و نور در تنظیم فعالیت آن نقش مهمی را ایفا میکند.
- (۲) با در نظر گرفتن نتایجی که تا بحال از مطالعات مختلف بدست آمده چنین بنظر میرسد که بین ملاتونین و اپی فیز از یکطرف و سیستم عصبی غدد درون-

ریز و متابولیسم از طرف دیگر احتمالاً روابط مهمی وجود دارد اما چگونگی این روابط و نقش احتمالی آنها در فیزیولوژی احتیاج بمطالعات عمیق تری دارد. طبق نامه‌ای که پس از تکمیل این مقاله از پروفسور Milcu بدست نگارنده رسید طی تجربیات ایشان ملاتونین اثری روی سوخت و ساز مواد قندی نداشته است. اکنون که ملاتونین در اختیار نگارنده قرار گرفته است امید است مطالعاتی که در جریان است در حل مسئله اخیر کمک کند.

summary

Although melatonin, a serotonin derivative, is found in the peripheral nerves as well as in the pineal gland. The key enzyme for its synthesis has only been located, in the latter.

It is known that light plays a major role in the regulation of the activity of this enzyme.

The data thus far available, suggest a close relationship between the pineal gland and melatonin on the one hand, and the neuroendocrine system and the general body metabolism on the other. However, a great deal remains to be elucidated regarding the melatonin question and further studies are of out most importance in this field.

Resumé

La melatonine qui se trouve dans les nerfs Periferiques aussi bien que dans le système nerveux central, est synthetisée á partir de la serotonine á l'aide d'un aerzyme qui se trouve uniquement dans la glande pinéale et dont l'activité est reglée par la lumière.

Il existerait des rapports Importants entre la glande pinéale et la melatonie, d'un coté et le système neuroendocrinien et le metabolisme en general, de l'autre.

Mais le problème est loin d'être resolu et il importe de souligner l'importance des recherches complémentaires dans ce domaine.

REFERENCES

1. LERNER, A. B. et al: J. Am. Chem. soc. 80: 2587, 1958
2. J. Invest. Dermat. 32: 211, 1959
3. Nature 183. 1821, 1959
4. Nature 184: 674, 1959
5. CASE, J. D. et al. Forty Second Meeting Endocrine Society. 1960
6. HARPER, H. A. in Review of Physiological Chemistry. 9th Ed. P. 279-283 1963. Lange med. Publications los-altos California.
7. Danowski, T.S.: clinical elndocrinology IV. chapt I. Williams and willkins co Baltimore, 1962.
8. Axelrod, j. et al. in regional neurochemistry, ed. by Kety, S-S. and Elkes, j. 307 (pergamon press, N. Y., 1961.
9. Wurtman. R.J. et al: Science 142: 1071, 1963.
10. Wataru Mori et al.: Endocrinology. 67: 443. 1960.
11. Axelrod, j. et al: Nature 201: 1134, 1964.
12. Basrur, P. K. et al: Poultry science 42: 1255, 1963
13. Kastin. A. J. nature. 13: 1238, 1967
14. et al. proc. soc. exper. biol. med. 124: 1275 1967.
15. Singh, D. V. et al. Ibid: 125: 407, 1967
16. Kastin., A. J. et al: Gen. comp. endocrinol. 7: 452, 1966.
17. Taleinsnik, S. et al: Am. J. physiol. 208: 293, 1965
18. Schally, A. V. et al: Endocrinology 79: 768, 1966
19. Kastin, A. j: prog. 47th. endocr: soc. meeting 198, 1965.
20. Ishibashi, T. et al: proc. sos. exper. Biol. med., 122: 644, 1966.
21. Baschierie, L. et al: experi entia 19: 15. 1963.
22. Bowers. C. Y. et al : endocrinology 74: 559, 1964.
23. Gromova. E. A. et al, j. enddoce., 39. 345, 1967.
24. Kinson, G. et al: Gen. comp. endocr. 8: 445, 1967.

25. Prunty, F. T.G in chemistry and treatment of adreno cortical disases, 1964, P. 19. charles C. thomas publisher, springfield. Ill. U.S.A.
26. Farrell, G. endocrinology 65: 29, 1959.
27. Ibid 65: 239. 1959.
28. et al: Fed. proc. 18. 44, 1959.
29. et al. 41st meeting, endocrine society, 1959.
30. Fed. Proc. 19.601, 1960.
31. 43rd. meeting endocrine society, 1961
32. Prunty, F. T. G: vide sⁿpra p. 149
33. Schellaberger, C. J: poultry sci: 32: 189, 1953
34. Fiske, V. M.: endocrinol 29: 187, 1941.
35. Wurtman, R. J. et al science: 141: 277, 1963
36. Biochem. pharmacol. 12: 1439, 1963
37. Kastin, A. J. et al. the lancet I:1007 1968.
38. Soffer, J.L. et al: J. C.E 23: 870, 1963,
39. Mishkinsky, J. et al: J. endocr. 36: 215, 1966.
40. Vaughan, M. et al: J. pharmacol. exper. therapeut. 152: 298. 1966.
41. Milcu, I et al: stud. cercet. endocr. 18: 405, 1967
42. Milcou et al: Quoted in encyclopedie medico chirurgical, glandes endocrine et nutrition: i 1002 6A10 1965
43. Barchas. J. et al: nature 214. 919, 1967.